

جلسه هفتم سرکار خانم همیز

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم

آنچه را که خدا بخواهد ارزش دارد، ولی آنچه که مردم یا دیگران بگویند فاقد ارزش است. آیا ما حد و حدود الهی را در روابطمان داریم یا نه؟ این یک ارزش است.

بحث امروز، مدیریت شیطان در درون خانه است. ما باید این حالت بد را نداشته باشیم نسبت به هم مشکل داریم رضایت از زندگی نداریم.

ما می خواهیم شما حل مسأله یاد بگیرید. نمی خواهیم درد دل کنید. حضرت علی علیه السلام می گوید رضایت داد به ذلت، هر کس که پرده برداری کرد از مشکلاتش.

حضرت محمد^(ص) می فرماید: وقتی دردت را می گویی، دردت بیشتر می شود. تو باید راه زندگی کردنت را یاد بگیری. من می خواهم شما مسأله حل کنید.

در مرصاد العباد هم داریم خداوند حضرت میکائیل را فرستاد روی کره زمین بعد گفت یک مشت خاک بیاور. زمین گفت: من نمی آیم چون آنجا مکان با ارزشی است من بروم امکان دارد آنجا از چشم خدا بیفتم. حضرت جبرائیل آمد، نرفت. حضرت اسرافیل آمد، نرفت. حضرت عزرائیل آمد یک مشت خاک کند و برد.

بعد خداوند در سوره حجر می فرماید یک معجونی از خاک خداوند درست کرد از یک گِل بدبود ساختمان جسمانی بدن انسان را تهیه کرد. بعد شیطان چون ۶۰۰۰ سال خدا را عبادت کرده بود، و از خدا جایزه گرفته بود و اسم اعظم را خدا به او یاد داده بود، اون رو معلم عده ای از ملائکه کرد. چنان که در قرآن آمده، هم جن قدرت عبادت دارد، هم انس. حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید ابلیس ۶۰۰۰ سال خدا را عبادت کرده بود، بعد که خداوند او را معلم عده ای از ملائکه کرد، به خدا گفت: شاگردانم را ببینم. خدا فرمود: برو ببین، او از راه دهان رفت از راه مخرج بیرون آمد. مسیر عبور شیطان خیلی بو می دهد! حتی ما آب دهانمان را هم که بیرون می اندازیم، خودمان بدمان می آید. بعد به ملائکه گفت: خداوند کل آفرینش را کوچک کرده در این گذاشته است. آسمان، زمین، کوه، رود، و دریا دارد. ولی یک جا داشت من نتوانستم بروم. آنجا کجاست؟ (از خدا پرسید) خدا فرمود: آنجا قلب اش است. آنجا خانه من است. اگر خانه را به تو داد، تو برو بشین. اگر به من داد، دیگر مال من است. یعنی ما مختار یا محترم هستیم. الان وقتی شما از در جایی وارد محفلی می شوید، وقتی محترم باشی به شما می گویند بفرما هر جا خواستی بشین. اما کسی که تحت فشار باشد می گوید همانجا بایست.

این که خدا ما را مختار خلق کرد چون محترم هستیم. چون محترم دارم. باید این حریم را مواظبت کنم.



ولی شیطان ما را طوری غافل می کند که حریم مان را بشکنیم.

خداوند در سوره اعراف مفصل تر می فرماید: آیه ۱۱ سوره اعراف: وقتی ما شما انسان ها را خلق کردیم و صورتگری کردیم، به ملائکه گفتیم که سجده کنید. همه سجده کردند الا ابلیس. عبادت هایش جوری بود که سجده نمی کرد. اصلاً اهل سجده نبود. خدا می فرماید: چه شد؟ (من می گویم خداوند استغفرالله خیلی لیبرالی با این برخورد کرد، خیلی توی ذوقش نزدم گفت: چرا سجده نکردی؟ گفت: من بهتر از او هستم. تو مرا از آتش خلق کردی و او را از خاک).

در روابط زن و شوهری، هر وقت می گویی من بهترم، عین شیطان شدی! شوهرت هم گفت من بهترم، او هم دارد حرف شیطان را می زند. این ادب را ما باید پیدا کنیم که نگوییم من بهترم. خدا به او گفت: برو گم شو. کی به تو گفت تکبر کنی؟ دربار گاه ما. تو اخراجی. تو از خوار شده ها هستی.

این که بعضی از زن ها در خانه پیش شوهر جایگاه ندارند، نکند خدا گفته فاخرج؟ برو گم شو. گاهی اوقات مردها جا ندارند، خدا گفته برو گم شو؟ این را حواسمان باشد. خدا لحظه به لحظه برای ما دارد برنامه ریزی می کند. هیچ وقت فکر نکنید که من مظلومم و این دور و بر من، همه ظالمند. یک حرف بسیار بدی هم می زنند. این که می گویند دست من نمک ندارد، من به هر کسی خوبی می کنم، بدی می بینم. همه با من بد هستند.

قرآن می گوید: این وقتی گفت من بهترم، نمی گوید من چرا اشتباهی کردم که این اتفاق افتاد. می گوید اون اشتباه کرد. خدا می گوید: برو پایین. نزول می دهد. جایگاه به من نمی دهد، تو از خوار شده هایی.

من همیشه می گویم ببین، ابلیس خدا را قبول داشت. ولی عبد خدا نبود. می دانست خدا کیست و دعا را مستجاب می کند. گفت: خدایا، به من اجازه می دهی من ناظر این باشم تا روز قیامت؟ چون می خواست انتقام بگیرد. آدم های حسود، متکبر هم هستند. چرا خداوند آدم را بزرگ کرد و گفت به او سجده کن! خدا فرمود: برو اجازه داری تا وقت معلوم. نه تا قیامت. برخی می گویند این وقت معلوم، شاید زمان ظهور آقا امام زمان علیه السلام باشد به جهت این که ایشان تشریف بیاورند عقل مردم کامل می شود و دیگر از شیطان پیروی نمی کنند.

اگر سبک تو شیطانی باشد، می گوید خدا، سر من را کلاه گذاشتی؟ چون سر من را کلاه گذاشتی، سر راه صراط مستقیم می نشینم.

امام خمینی^(ره) می فرمودند این جمله شیطان خیلی کثیف و پست است که می گوید: خدایا، چرا مرا اغوا کردی؟ آخر وقتی کنار آمد، نور ۱۴ معصوم را در شب آدم دید، فهمید خدا چرا به فرشتگان فرمود به این ها سجده کنید. به آن انوار گفته این آدم، حامل آن انوار بوده، مورد سجده قرار گرفته، برگشت گفت: تو به من نشان ندادی، حالا جوابش چیست؟

پاسخ مادران: ما باید مطیع بی چون و چرا باشیم. شیطان نبود پس رانده شد. (این حرف خوب است ولی جواب نیست) - اگر شیطان عبد واقعی خدا بود باید ندیده سجده می کرد. (این حرف هم خوب است ولی جواب



نیست) - اگر قرار بود سجده کند و اطاعت امر خدا را بکند فرقی نمی کرد چه فرمانی باشد بداند یا نداند باید اطاعت امر می کرد (این حرف خوب است ولی جواب نیست) - شیطان خودش را توجیه کرد. (این هم حرف خویبه ولی جواب نیست) - شیطان لیاقتش را نداشت که خدا نشانش نداد. (این هم خوب است ولی جواب نیست) - باید چشم بسته اطاعت می کرد (نه این غلط است) - وقتی نور را دید باید سجده می کرد اما نکرد (اون دیگر رفته بود، وقتی تنبیه شد نور را دیده بود) - شیطان به خاطر دل خودش عبادت می کرد نه تسلیم خدا (این ها همه جواب های خوبی است ولی جواب نیست)...

- روحیه تسلیم نداشت چون شیطان گفت من بهترم و این کبر، مانع شد.

پاسخ استاد: آفرین! مانع دیدن نور ائمه در سلب آدم شد. چون می گوید من بهترم این کبر مانع دیدن نور ائمه شد. شما باید در خانه، نور خدا را ببینید. تمرین شما، پیدا کردن دست شیطان در زندگی تان است.

سؤال دوم استاد از مادران: فرق میثاق با عهد چیست؟

پاسخ مادران: - عهد یعنی پیمان بستن، میثاق یعنی صدق و راستی و دوستی. (نه، این جواب اش نیست) - میثاق عهدي است پایدار و محکم (نه، این هم جوابش نیست) - میثاق با خداوند است، عهد با انسان ها (نزدیک شدید) میثاق یک قرارداد است ولی عهد، قرارداد با ضمانت اجرایی (نه) - میثاق یعنی پیمان محکم (نه) - در سوره رعد خداوند در مورد عهد گفته پیمان های فطرت از انسان گرفته شده، میثاق با تفکر و اندیشه با انسان هست. عهد، پیمان بین خدا و انسان است، ...

پاسخ: در سوره اعراف آیه ۱۷۴ که خداوند در آنجا می فرماید، خداوند آنجا از بنی آدم یک پیمانی گرفت. آیا من پروردگار تو نیستم؟ گفتیم: بله، خدایا تو پروردگار مایی. قبلاً هم گفتیم. روی کلمه «پروردگار» خیلی فکر کنیم. پروردگار، یعنی برنامه تربیتی خدا. خدا آن جایی که می گوید رب، می خواهد وجه تربیتی خودش را به شما اعلام کند. نمی گوید اله، نمی گوید خالق، نمی گوید رازق. نمی گوید بیایید پیش من حسابتان را برسم. ما با پاسخ مان به پروردگار، شهود کردیم نه اینکه علم کردیم، دیدیم اتفاق هایی را که برایمان هست، دیدیم و فهمیدیم که بهترین پروردگار، خود خداست.

مثل این که یکی از معلم های پیام غدیر می آید می گوید: خانم، من هر ساله، دانش آموزان را بردم المپیاد مدال طلا گرفتند. پسر را به من می دهی؟ من برنامه درسی برایش بریزم؟ شما می گویید: بله! می دهم. چون امتحان کردیم که امتحانش این بود که رفتند و مدال طلا هم آورده اند.

اینجا می گوید انسان می دانست که خدا بهترین است، آنجا دید، فهمید بعد قرآن می گوید نگوئی من نمی دانستم! یادم رفت! بگوئی در یک خانواده بی دین من به دنیا آمده بودم، بی دین شدم. خداوند می فرماید آنچه باطل گرایان براساس فرهنگ شرک شان انجام دادند می گویند حالا خدایا ما را می خواهی عذاب کنی؟ آن ها اشتباه کردند حالا می خواهی ما را عذاب کنی؟ مثل این که بارش را بر دوش دیگری می گذارد! قرآن اینجا می گوید



این طور نیست که مثلاً شما شما بارتان را بیاندازید روی دوش دیگری، نه. هر کس بار خودش را باید خودش بردارد. بعد قرآن می گوید ما این ها را برایتان تعریف می کنیم که برگردید. پس خدا اینجا از ما میثاق گرفت که برنامه تربیتی اش را باید اجرا کنیم. آیات ۱۷۲ و ۱۷۳ و ۱۷۴ از سورة اعراف. این آیات میثاق است. ما اینجا یک مربی داریم به اسم الله. خوب، بعد آنجا که شیطان به خدا گفت اجازه بده من بروم انسان را چکار کنم، خداوند آنجا به انسان می گوید با تو عهد نکردم عبد شیطان نشوی و اونو نپرستی؟ (سوره یس آیه ۶) پس میثاق شد برنامه تربیتی خدا، عهد شد نپرستیدن شیطان. این یادتان باشد. هروقت شما به شیطان جواب مثبت می دهید یعنی او را پرستیده اید عبدش شده اید.

مثلاً الان شما در تربیت پسر، یک کار خیلی راحت که ما گفتیم بچه ها باید نمازشان قضا نشود. شما اول باید خودت نماز قضای خودت را جلوی چشم را بگیری چون بعداً بچه ات می گوید: مامان، تو اول برو خودت، خودت را درست بکن بعد به من بگو. حالا این بچه ات نمازش قضا شد باید بگویی چه؟ یک مادری برای من تعریف می کرد که: پسر بزرگم که دانشجو است نمازش قضا می شد. گفتم به همکلاسی هایم گفتم مادرت به جهنم می رود آیه را با هم برایش خواندیم سوره تحریم آیه ۱۰/ بچه هایی که در آتش اند، مادرانشان هم در آتش اند! گفتم چکار کنم؟ نشستم پای تخت اش گریه کردم. گفت: مادر چه شده حالت بد است؟ نه. با بابا دعوا شده؟ نه. چه شده؟ گفتم از دست تو. گفت: من؟ چه کار کردم؟ گفتم: تو بنده شیطان شدی! شیطان گفت بخواب تو هم می خوابی اصلاً نماز صبح هایت را نمی خوانی! او نشست خجالت کشید و دیگر چیزی نگفت. گفت: خوب کاری کردم؟ گفتم: آره.

شما معمولاً آل یاسین می خوانید. فوق العاده قشنگ است. چهل سلام دارد. بعد از هر سلام، حضرت به شما لبیک می گوید و جواب سلام شما را می دهد. چون سلام مستحب است و جوابش واجب است. فقط آخر دعا، آمین آمین که تمام شد چه می گوید؟ حالا که دعا تمام شد و من به بهترین انسان زنده عالم، امام صادق علیه السلام می فرمایند امام زمان^(ع) هر شب از طاق عرش علم جدید به دست می آورد. بعد از اینکه به امام زمانت سلام دادی، چه دعایی می کنی؟ می گویی: خدایا، درود بفرست بر پیغمبرت که کلمه نورت است. بعد ۱۰ نور از خدا می خواهیم. خدایا یقین داشته باشم به این چیزهایی که یاد می گیرم،... خدایا این ده نور را به من بده تا من به ملاقات تو بیایم، آن موقع من به عهد و میثاق تو وفا کرده باشم، آن موقع رحمت مرا در برمی گردد.

اگر ما به عهد و وفای خدا توجه کنیم مورد رحمتیم. بی خود نگوئید بچه جان نمازت قضا شد خدا ارحم الراحمین. این ها دروغ های بزرگ است. می گویند خدا جوان را می بخشد.

۱- خودت در خانه باید نمازت قضا نشود. باید حریم خدا را مواظبت کنید. جایی که شیطان دارد تو را می برد از آنجا نجات پیدا کن. زن ها باید در خانه شیطان شناس شوند. دست شیطان را قطع کنند. شما تمام تلاش ات را می کنی شیطان را از زندگی ات بیرون کنی. شیطان می گوید نخوردی نبردی نپوشیدی همه اش تقصیر فلانی



است. حضرت محمد^(ص) فرمودند هیچ مشکلی نیست که خداوند راه حلش را خلق نکرده باشد. پس راه حلش را خلق کرده. من باید بگردم پیدایش کنم. مثل اینکه دیدید ما با بچه‌ها بازی می‌کنیم روی میز می‌زنیم می‌گوییم نزدیک شدی نزدیک شدی؛ دور که می‌شود آرام آرام می‌زنیم می‌گوییم دور شدی. مسأله تو، توی اتاق است باید حلش کنی و می‌توانی هم حلش کنی. چون اراده نکرده‌ای.

یکی از خانم‌ها گفته: من از خودخواهی‌هایم کنار آمدم، زندگی‌ام آرامش پیدا کرده خیلی از شما این را می‌گویند.

یکی از مادران: خانم دکتر، من اوایلی که شما گفتید که همه کارها را برای همسران انجام دهید به عنوان مهمان، اولین جلسه که وارد کلاس شدم گفتم من دقیقاً همه این چیزها را همین جوری انجام می‌دادم بدون هیچ توقعی. شاید ۵ یا ۶ سال است که این شکلی بودم. اولاً یک ولی‌هایی در درون‌اش داشت که همان روز اول هم شما گفتید ۹۰٪ پذیرفته شدی. بعد، ادامه ولی‌ها را یکی آن ۱۵ دقیقه شب شاید در هفته یک بار حتی صحبت کردن خصوصی، من همیشه دوست داشتم شب موقع خواب با همسر صحبت کنم. اون حرف دلشو بزنه منم حرف دلمو بزنم. ولی هیچ وقت همسر از اول زندگی‌اش این مدلی نبود. همیشه اول لحظه می‌گفت اگر من الان نخوابم اصلاً خوابم نمی‌برد. من همیشه از این دلگیر بودم. تا به آن ۱۵ دقیقه هفته‌ای دوبار رسیدیم که خیلی مؤثر بود.

پاسخ: این می‌شود یک راه حل برای بقیه. حل مسأله یعنی این. یعنی ما یک تغییراتی بدهیم یک فکری بکنیم. قرآن می‌فرماید: ما اصلاً سرنوشت شما را تغییر نمی‌دهیم مگر خودتان، خودتان را عوض کنید.

وقتی تو الان به این نتیجه رسیدی که من فن بیان داشته باشم و بتوانم با شوهرم درست صحبت کنم. اصلاً بحث آیه ۵۳ سوره اسراء هست. پیغمبر، به بنده‌های من بگو زیبا صحبت کنند. شیطان قلوب‌شان را از هم جدا می‌کند. آتونی رابینر که مبتکر این بحث‌های مثبت اندیشی است می‌گوید یک بار یک آقای با ۳ چهار تا بچه سوار اتوبوس شد. بچه‌ها از در و دیوار بالا می‌رفتند و همه مسافرا عصبانی بودند چرا این مرد این قدر بی‌خیال است؟ چرا فقط از شیشه به بیرون نگاه می‌کند؟ گفت آخر من بی‌طاقت شدم بلند شدم این آقا را صدا کردم گفتم آقا گفت بله. گفتم ببخشید این بچه‌ها تون؟ گفت: آره ما الان داریم از بیمارستان می‌آییم. مادرشان مُرده. موندیم چطوری بهشون بگم؟ گفت: یک مرتبه همه اتوبوس نظرشان عوض شد. همه سعی کردند این بچه‌ها را محبت کنند. با آن‌ها بازی کنند سرشان را گرم کنند. این آقا اشک‌هایش را که پاک می‌کرد همه منقلب شدند. نگاه اهالی اتوبوس عوض شد، رفتارشان عوض شد.

اسلام می‌گوید باید انسان محافظ نماز باشد. چرا؟ چون در قرآن آمده کسانی که از نمازشان محافظت می‌کنند. وای به نمازخوان‌هایی که اهل ریا هستند. شخصی می‌گوید ما به نمازمان توجه نمی‌کردیم و مراقبت نمی‌کردیم. بعد از صحبت‌های شما، بسیار از نمازهایم محافظت می‌کنم. اول وقت می‌خوانم نمی‌گذارم اصلاً قضا شود.

شما بعد از ۵ شش جلسه الان باید به این ثبات رفتاری برسید. مخصوصاً نماز صبح. بین الطلوعین را بیدار می مانم و حدیث کساء و زیارت امین الله را می خوانم این ها را همه اجرا کرده چقدر آرامش به زندگی اش برگشته. به نماز اهمیت می دهم و قبل نماز اذان و اقامه را می گویم. در حدیث داریم شما به محض اینکه وارد نماز می شوید ۵۰۰ شیطان شما را محاصره می کنند. چه کار کنیم که این طور نشود؟ اذان و اقامه که می گوید، ۲ صف ملک از آسمان پشت سرتان قامت می بندند.

بانو امین به شاگردشان گفتند: آن نور ملائکه است که تو در کنار سجاده است می بینی. باید یک روز بررسی به جایی که بینی به امام زمان علیه السلام قامت بستی، داری نماز می خوانی. حضرت علی علیه السلام روحی و ارواح العالمین له الفدا می فرماید: شب موقع خواب، با طهارت بخوابیم. چرا؟ چون ملائکه روح شما را حمل می کنند تا موعد بیداری تان برسد. کسی که نمی تواند حمام برود غسل کند بخوابد، تیمم بدل از غسل کند. وضو رفع کراهت دارد.

آقای جوادی آملی می فرماید چنان که به حیوان سیخ می زنند می گویند برو، شیطان هم اینطوری سیخ می زند، به این نذقه می گویند. تا جلسه بعد، ببینید شیطان کجاها دارد به شما می زند و سعی کنید جبران کنید.

سوال یکی از مادران: در گفتگو هم نوشتیم، گفتم شیطان شناسی کنیم به چند علت، قبل از اینکه بروید مفاتیح تان را بیاورید می خواستید علت های شیطان شناسی را بگویید که برای چه شیطان شناسی کنیم. اگر می شود دو مصداق برای شیطان شناسی برای هفته بعد بگویید. مثلاً من نماز صبح ام قضا می شود یکی از مصداق هایش است، می شود یک مصداق دیگر هم بگویید؟

پاسخ: همه حرام هایی رو که بلدی را ترک کن. الان شما هزارتا چیز بلد هستید. اصلاً چرا ما عذاب وجدان پیدا می کنیم؟ اگر من آن حرف را نمی زدم چقدر خوب بود؟ الان در خانه نشسته ای یک مرتبه به خودت می گویی: چرا من آن دفعه این کار را کردم؟ همین نشان می دهد تو خودت بلدی که کار بدی کرده ای! می دانی، نمی خواهد تو را محاکمه کنند همان حرام هایی که فعلاً بلدی، همان بدجنسی هایی که می دانید بدجنسی است، اصلاً وجدان آدم، به آدم می گوید این کار بدجنسی است. این ها را که می دانید ترک کنید. فقط هم روی خودتان پیاده کنید. اصلاً تا خودت درست نشوی، تا خودت ابر باران دار نباشی، مگر زندگی به طهارت می رسد؟ اصلاً. وقتی تو خودت خشک خشک باشی، از طرف خدا چیزی دریافت نکرده باشی، پرداخت می توانی داشته باشی؟ اصلاً. پس اول ما باید روی خودمان کار کنیم. گفتم حافظ تو خود حجاب خودی از میان برخیز؛ شیطان، خودش حجاب است بین خودش و حضرت آدم بود که ندید، آن تکبر نگذاشت نور او را ببیند. شیطان شناسی ما همین است. یعنی من نگاه ام نسبت به اطرافیانم به گونه ای باشد که متکبرانه نباشد، خودم را برتر نیسم، آن ها را پست و احمق نیسم، چرا تو نسبت به دیگران توهین می کنی؟ چون خودت را خوب می بینی! **(در پاسخ به مادرانی که در ایتا برای استاد پیام های توهین آمیز نسبت به همسرانشان فرستاده بودند)** چرا بدی اش را می بینی؟ در صورتی که



شما وقتی داستان حضرت یوسف را می‌بینی اصلاً آدم خجالت می‌کشد. می‌گوید وقتی برادرانش آمدند گفتند یوسف، تو حق داشتی، خدا تو را برتر کرد، و ما اشتباه کردیم، می‌آیند اعتراف می‌کنند. الان مثلاً خواهر شوهر تو بیاید بگوید که ببین، من غلط کردم، من رو ببخش! تو چه می‌گویی؟ می‌گویی: من تو را ببخشم؟ میدانی چقدر دلم را سوزاندی؟ میدانی زندگی ام را آتش زده‌ای؟ مگر این حرف‌ها را نمی‌زنی؟!

حضرت یوسف می‌گوید: ای بابا، برادرانم، خودتان را نکشید، خودتان را سرزنش نکنید، خدا می‌بخشد، خدا ارحم الراحمین است. آقا، ۴۰ سال این بردگی کشیده، ۷ سال زندان کشیده، بدبختی کشیده، دوری از پدر و مادر و خانواده داشتم، هیچ چیز به زبان نمی‌آورد می‌گوید خودتان را سرزنش نکنید! آملید مرا ببرید چشم پدرم بینا می‌شود از این عذاب وجدان درمی‌آید! الله اکبر. آن وقت خدا می‌گوید او محسن است. بعد می‌گوید ما با محسنین چنین کاری می‌کنیم. ما دوستش داشتیم چرا؟ چون او محسن است. بعد می‌گوید وقتی پدرش را بر عرش نشانند همه سجده شکر کردند آمد گفت: پدر، این تعبیر خواب من بوده، بعد از چهل سال این برادران حسود بدجنس، آدم شدند! بعد می‌گوید: خدا به من لطف کرد. مرا از زندان درآورد. ببینید چطور تفسیر می‌کند؟ نگاه زیبا بین یعنی این. می‌گوید شیطان بین من و برادرانم را به هم زد، نمی‌گوید برادرانم بد هستند، شما باید بگویید شیطان بین من و شوهرم را به هم زد.

شیطان بین من و بچه‌ام را بهم زد. این شیطان‌شناسی است. می‌گوید شیطان بین من و برادرانم را به هم زد، إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِّمَا يَشَاءُ. (آیه ۱۰۰ سوره یوسف)

در طول هفته، ببینید کجاها شیطان به شما می‌گوید کلام بد بگو، کجاها می‌گوید خودت را بهتر ببین، بگو من داناتر و نفهم است، من خوبم او بد است، این‌ها همه‌اش حرف‌های شیطان است. ما باید چکار کنیم؟ شیطان را بشناسیم و کنار بگذاریم.

یکی از مادران: سلام استاد، خسته نباشید. درباره همین شیطان‌شناسی که شما فرمودید، در واتس آپ یک پیام آمده بود که یک شیطان طناب گاوی را تکان داد، آن گاو لگد زد شیر ریخت، خانمی که داشت پایین سینه گاو شیر می‌دوشید، شروع کرد به کتک زدن او و آخرش به قتل انجامید. به شیطان گفتند چرا این کار را کردی؟ گفت: من هیچ کاری نکردم فقط یک میخ کوچک را تکان دادم. می‌خواست بگوید که شیطان یک کار کوچک می‌کند، آخرش یک هیزم بزرگی و یک آتش خیلی بزرگی بوجود می‌آید. من وقتی می‌خواهم حالم را خوب کنم تمام صبرهایی که در قبال همسرم می‌کنم، هدیه به روح پدرم، هدیه به روح چهارده معصوم علیه‌السلام می‌کنم. چون مطمئن‌ام و بارها و بارها جواب گرفتم. وقتی که هدیه می‌کنم اثراتش را در زندگی می‌بینم. بعد می‌گویم خوب، چه چیزی بهتر از این که من این قدر دارم پیش خدا عزیز می‌شوم. ولی چون من شخصاً خیلی پدرم را دوست دارم، این طوری حالم خوب می‌شود.



پاسخ: این هم باز یک کمی اشکال دارد. باز می‌گویی خودم معتبر می‌شوم پیش خدا، وقتی این کار را کردم. من

می‌گویم این خداست که باید به ما قیمت بدهد، شاید هم قیمت ندهد! در قرآن می‌گوید اگر من بخواهم گناهان شما را روی زمین بیاورم، احدی روی زمین باقی نمی‌ماند! این یک نکته. این که تو می‌گویی من این کار را می‌کنم خیلی خوب است، خودت را سبک می‌کنی بارت را جای دیگری می‌بندی، به شوهرت غر و نق نمی‌زنی، ولی من یک چیز به شما بگویم؟ همه هم زنید، حضرت زهرا سلام الله علیها هم زن است. نه خواهر کمک کار داشت، نه مادرشان زنده بودند، نه خاله‌ای داشت، نه زن موافقی داشت، هیچ کس، آن ده ساله هم که با شوهرشان زندگی کردند، شوهرشان همه‌اش در جنگ و جبهه بودند. اصلاً شوهر را ندید. پدرشان بود که فقط به ایشان سر می‌زد و می‌رفت و می‌آمد. تازه، یک روز هم که ایشان یک گردنبندی گیرشان آمده بود از غنائم جنگی، تا پدرش نگاه کرد، این را هم گذاشت کنار و گفت: نمی‌خواهم. شما که نظرتان برگشته، من نمی‌خواهم. او تا حالا یک بار گفت من تنهایی از چاه آب در می‌آورم؟

اصلاً ما این کارها را نمی‌کنیم. می‌رویم گاز را روشن می‌کنیم زودپز را می‌گذاریم، این‌ها همه کارگرهای ما هستند؛ به سرعت گوشت پخته می‌شود، ما همه‌اش نان گندم می‌خوریم نمی‌فهمیم نان جو چیست؟ او همه‌اش جو را آرد می‌کرد. من می‌خواهم بگویم زندگی‌های ما کجا در روز قیامت، زندگی او کجا. او یک کی می‌گفت من تنها و بی کس هستم؟ حق‌اش بود بگوید بندگی خدا را می‌کرد و آنقدر با آن بچه‌های کوچک، نماز می‌خواند. ما این همه رفاهیات داریم، عبادت هم نمی‌کنیم بعد می‌گوییم من خوبم. من اگر بدی‌های شوهرم را مدام به چشم‌ام بیایم، این‌ها چیزهایی است که شیطان دارد می‌آورد به شما می‌گوید. پس، مواظب الهامات شیطانی‌تان باشید. دفعه قبل هم گفتم، امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: هر لحظه به شما دو نوع الهام می‌شود. الهام شیطانی و الهام رحمانی. شیطان می‌گوید تو هیچ چیز نمی‌شوی. اصلاً به هیچ جایی نمی‌رسی. همین الان گفتم من توانستم بدی‌هایش را فراموش کنم و هدیه کنم به ائمه علیهم‌السلام از ایشان جایزه بگیرم. این یک روش است و بقیه هم استفاده می‌کنند از این و خیلی خوب است. ولی باز می‌گویم؛ شما نگو که من خوبم، چون هدیه کردم بهتر از شوهرم هستم.

ادامه صحبت مادر: اتفاقاً ایشان همیشه از من بهتر است. ما یک استادی داشتیم می‌گفت هر کس به شما بدی می‌کند شما در ازای آن، برایش استغفار بگویید بعد یواش یواش دلتان نرم می‌شود. من این کار را کردم خیلی خوب بود.

ادامه پاسخ استاد: این‌ها کلیدهای کار است. از زبان همدیگر بشنویم بهتر است.

پایان مبحث

جلسه هفتم سرکار خانم همیز